



سوره عصر؛ منشور بهره‌وری قرآن کریم

سید مصطفی احمدزاده

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

چکیده:

امروزه به دلیل کاهش منابع و افزایش جمعیت و نیازها، بهره‌وری به عنوان یک اهرم مؤثر در مدیریت و رهبری جامعه، توجه دانشمندان علوم گوناگون را به خود جلب کرده است. در این میان، دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی که داعیه ارائه برنامه کامل و جامع مورد نیاز انسان معاصر را دارد نیز درباره بهره‌وری - درست انجام دادن کار درست، یعنی تلفیقی از کارایی (نسبت ستاده به داده) و اثربخشی (مقایسه نتیجه با اهداف) - با دیدگاه فرهنگی، بر پایه نظام جامع بهره‌وری با تأکید بر نقش محوری انسان، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، نکات بدیع و منحصر به فردی را از طریق آیات قرآن کریم و سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام فراروی مسلمانان نهاده است تا در گام نخست درباره آن بیندیشند و در گام بعدی، آموزه‌های بهره‌وری را به کار گیرند. منشور بهره‌وری قرآن کریم در سوره عصر گزارش شده است. استفاده بهینه از عمر به عنوان تنها سرمایه زندگی؛ ایمان، به عنوان قوه محرکه و معدن انگیزه‌سازی انسان که به همراه معرفت، عبادت و یقین موجب افزایش نامحدود بهره‌وری در افکار، کردار و گفتار انسان می‌شود؛ و نتیجه بهره‌وری ایمان، که در عمل صالح و مخلصانه رخ می‌نماید که هم در ارتقای بهره‌وری فردی مؤثر است و هم در افزایش بهره‌وری اجتماعی و نهایتاً سفارش به حق و صبر، که دو لازمه بهره‌وری فردی و اجتماعی‌اند، از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمنان بهره‌ور در قرآن کریم است که در این سوره کوتاه گزارش شده است.

کلید واژه‌ها:

سوره عصر / بهره‌وری / منشور / مدیریت / مدیریت اسلامی

طرح مسئله

تاریخ بهره‌وری به درازای عمر بشر است. هر چند در سده‌های گذشته کم و بیش مورد توجه قرار گرفته، اما در سده کنونی، به واسطه کمبود منابع، افزایش جمعیت و رشد نیازها و خواسته‌های بشر، بهره‌وری در زندگی انسان معاصر نقشی حیاتی یافته و باعث شده که دست‌اندرکاران عرصه اقتصاد، سیاست و مدیریت جامعه، افزایش بهره‌وری را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند.

از سوی دیگر، بهره‌وری در دانش‌های گوناگون راه یافته و متناسب با اهداف و روش‌های هر دانشی، تعریف خاصی به خود گرفته و مکاتب و مدل‌های مختلفی را پدید آورده است. دانشمندان، نخست از چشم‌انداز اقتصاد - منابع زیرزمینی، انرژی، ماشین‌آلات، زمین و ساختمان - به بهره‌وری نگریستند، سپس با عینک مدیریت - کیفیت، تخصص، روابط مدیر و کارکنان، تولید، آموزش و برنامه‌ریزی - آن را تعریف کردند، چند مدتی نیز قوانین و مقررات دولتی، تکنولوژی، ارتباطات، بازار، محیط و در برترین حالت، منابع انسانی با رویکرد اقتصادی را کانون مدل‌ها و تعریف‌های بهره‌وری خویش قرار دادند که همچنان این راه ادامه دارد.

بر خلاف تعاریف بالا که یکسر در فضای مادی بالیدن گرفته‌اند، ادیان ابراهیمی و به ویژه دین حیات‌بخش اسلام، انسان الهی را محور و روح بهره‌وری تعریف کرده‌اند.

تعریف بهره‌وری از دیدگاه اسلام چیست؟ شاخص‌های بهره‌وری چیست؟ زمان در بهره‌وری چه تأثیری دارد؟ بینش و رفتار چه سهمی از بهره‌وری را به خود اختصاص می‌دهند؟ انجام چه اعمالی باعث افزایش بهره‌وری می‌شود؟ در چه راهی باید گام نهاد و از چه برنامه و دستوراتی باید تبعیت کرد تا به قله‌های رفیع بهره‌وری دست یازید؟ آیا در اسلام تنها سخن از بهره‌وری فردی است یا از بهره‌وری اجتماعی هم سخن به میان آمده است؟



تعریف بهره‌وری

گر چه مفهوم «بهره‌وری» در ادبیات اقتصادی بیش از دو قرن سابقه دارد، اما مفهوم واقعی و امروزی بهره‌وری از نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ دوم جهانی متجلی شده و مصداق یافته است. استفاده بهتر از امکانات موجود، تولید کالاها و خدمات با هزینه و زمان کمتر، انجام کار درست به روش صحیح، کارآیی به اضافه اثربخشی و ... از جمله تعاریفی است که به تدریج برای تعریف و توصیف مفهوم بهره‌وری به کار گرفته شده است.

«بهره‌وری» به لحاظ واژه شناسی، برگردان واژه انگلیسی "productivity" به معنای قدرت و قابلیت تولید است. لغت «بهره‌وری» از نظر ادبی از واژه «بهره‌ور» مشتق شده و به معنای بهره‌بر، سودبرنده و کامیاب است. در قرآن کریم معادل دقیقی برای این واژه ذکر نشده است، اما با تسامح می‌توان گفت که واژه‌هایی مانند «رشد» و «صلح» و اشتقاقیات گوناگون «حسن» به ویژه «حُسناً» به صورت وصفی تا حدودی بخشی از معانی این واژه را به ذهن متبادر می‌سازد.

برای تعریف بهره‌وری به لحاظ اصطلاح‌شناسی، ابتدا باید با دو مفهوم «کارآیی» و «اثربخشی» آشنا شویم.

میزان درست انجام دادن یک کار را «کارآیی» می‌نامند. به دیگر سخن، نسبت ستاده (out put) به داده (in put) را کارآیی می‌گویند که برابر با مصرف بهینه منابع می‌باشد. با این توضیح که هر چه سرعت دستیابی به هدف بیشتر بوده و میزان مصرف منابع برای دستیابی به آن کمتر باشد، کارآیی بیشتری حاصل می‌شود. به عنوان مثال اگر رسیدن از مبدأ تهران به مقصد کرج را یک کار در نظر بگیریم، هر چه در زمان کوتاه‌تر و با مصرف بنزین کمتری به کرج برسیم، کارآیی بیشتری داشته‌ایم.

میزان دستیابی به هدف صحیح را «اثربخشی» نامند. به عبارت دیگر، اثربخشی، انجام کار درست است. با مثال قبلی به تعریف اثربخشی می‌پردازیم. باز هم فرض کنید که از تهران به مقصد کرج حرکت کرده‌ایم. اگر پس از گذشت مدت زمانی به

کرج برسیم، فعالیت ما اثربخش بوده است و اگر مثلاً به قم برسیم، یقیناً کار ما اثربخش نبوده است.

با ادغام دو مفهوم بالا، چهار حالت به دست می‌آید: ۱. کارآیی مثبت، اثربخشی مثبت. ۲. کارآیی مثبت، اثربخشی منفی. ۳. کارآیی منفی، اثربخشی مثبت. ۴. کارآیی منفی، اثربخشی منفی.

از میان چهار حالت بالا، بدترین حالت ممکن، حالت دوم است؛ یعنی وجود کارآیی و عدم وجود اثربخشی. در این حالت با سریع‌ترین سرعت منابع را مصرف می‌کنیم، ولی نه در راستای دستیابی به هدف. به عبارت دیگر، با سرعت زیاد از هدف(ها) دور می‌شویم. و بهترین حالت، حالت اول است که هم منابع درست مصرف شده (کارآیی مثبت) و هم اهداف تحقق یافته است (اثربخشی مثبت). به این حالت، بهره‌وری می‌گویند.

بنابراین بهره‌وری، درست انجام دادن کار درست است. تلفیقی از کارآیی (نسبت ستاده به داده) و اثربخشی (مقایسه نتیجه با اهداف).

روشن است که تعریف بالا، یک تعریف عام است و متناسب با چیستی هدف(ها) تغییر می‌کند. بنابراین هر چند این تعریف رنگ و بوی اقتصادی دارد و با نظام سرمایه‌داری سازگارتر است، اما با تغییر هدف(ها) از اقتصاد و رفاه به تکامل مادی و معنوی انسان در دیدگاه اسلام، بهره‌وری و تعریف آن نیز تغییر خواهد کرد.

دیدگاه‌های بهره‌وری

بهره‌وری از دیدگاه‌های گوناگونی تعریف شده است. شایسته است برای تبیین دیدگاه اسلام در ارتباط با بهره‌وری، دیدگاه عامی که از نظر اسلام مورد تأیید است، شناخته شود. به طور کلی چهار دیدگاه عام در خصوص بهره‌وری در میان صاحب‌نظران مطرح است که عبارتند از: دیدگاه سیستمی، دیدگاه ژاپنی، دیدگاه اقتصادی و دیدگاه فرهنگی. (طاهری، ۲۶۷-۲۴) همچنان که در ادامه خواهد آمد،



دیدگاه فرهنگی بهره‌وری، دیدگاه عامی است که دیدگاه اسلام در درون آن قرار می‌گیرد.

نظام‌های بهره‌وری

به کلیه تلاش‌های سیستماتیک و ساختار یافته که برای حذف و یا کاهش تلفات ناشی از مواد، ماشین، انسان و یا تعامل نادرست بین آنها برنامه ریزی و اجرا می‌شود، نظام ارتقای بهره‌وری می‌گوییم. با توجه به این تعریف، نظام‌های ارتقای بهره‌وری در سه گروه قابل دسته بندی‌اند: ۱. نظام‌هایی که بر حذف یا کاهش تلفات ناشی از مواد و ماشین تمرکز دارند. ۲. نظام‌هایی که بر حذف یا کاهش تلفات ناشی از عملکرد انسان تمرکز دارند. ۳. نظام‌هایی که بر حذف یا کاهش تلفات ناشی از تعامل نامناسب انسان، ماشین و مواد تمرکز دارند.

گروه اول را نظام‌های سخت افزار محور، گروه دوم را نظام‌های انسان افزار محور و گروه سوم را نظام‌های نرم افزار محور می‌گویند. برای ارتقای بهره‌وری، از نظام‌های جامع (Total) سخن به میان می‌آید. نظام‌های جامع، ابعاد سخت افزاری، نرم افزاری و انسان افزاری سازمان را با هم مورد توجه قرار می‌دهند، اما توجه خاص به یکی از ابعاد سه گانه تقدم پیدا می‌کند. (اقدسی، ۴۳)

از فحوای آیات و روایات روشن می‌گردد که اسلام، دینی جامع‌نگر است و به همه ابعاد سخت افزاری، نرم افزاری و انسان‌افزاری توجه دارد. اما نقش انسان را در میان سه بعد مذکور بی‌بدیل می‌داند. بنابراین نظام بهره‌وری از دیدگاه اسلام، نظام جامع با تأکید بر نقش محوری و بی‌بدیل انسان است.

سطوح بهره‌وری

بهره‌وری دارای سطوح مختلفی است. فراگیری بهره‌وری از سطح فرد تا سطح عالم هستی مطرح شده که عبارتند از: فردی، سازمانی، ملی و بین‌المللی (عالم طبیعت). (طاهری، ۲۸-۳۰) در قرآن کریم به این سطوح اشاره شده است.

سطح فردی: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ إِنَّمَا تُطْعَمُونَ لِرِجَالِكُمُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿انسان/۹-۸﴾ «و طعام را با اینکه دوست دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می دهند [و می گویند: ما فقط برای خوشنودی خدا به شما طعام می دهیم، از شما نه پاداشی می خواهیم و نه تشکری] و سطوح اجتماعی (سازمانی، ملی و بین المللی): ﴿لِيَبْلُغَكُمْ أَيْكُمُ أَحْسَنُ عَمَلًا...﴾ (هود/۷) «تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکار ترید».

درآمدی بر بهره‌وری در غرب و اسلام

قدمت نوشته‌ها راجع به بهره‌وری به سال‌های ۴۰۰ قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد. (هالس، ۱۰/). بهبود بهره‌وری موضوعی بوده که از ابتدای تاریخ بشر و در کلیه نظام‌های اقتصادی و سیاسی مطرح بوده است، اما تحقیق دربارهٔ چگونگی افزایش بهره‌وری به طور سیستماتیک و در چارچوب مباحث علمی - تحلیلی، از حدود ۲۳۰ سال پیش به این طرف به طور جدی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. (طاهری، ۲۰/). در طول ۱۵ سال اخیر، افزایش بهره‌وری در سطح جهان ۴۵ برابر شده است. اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که همهٔ تلاش‌ها به سوی چه هدفی بوده است و آن هدف تا چه اندازه برای بشر مطلوب بوده و هست؟

در سده‌های گذشته، تحت تأثیر دیدگاه سرمایه داری، بهره‌وری در بستر اقتصاد بالیدن گرفت و مطالعات دانشمندان در حوزهٔ بهره‌وری، در راستای تأمین اهداف اقتصادی نظام سرمایه داری سمت و سو یافت و افزایش تولید و سرمایه و استفادهٔ بهینه از منابع در کانون توجه اقتصاددانان قرار گرفت.

اگر چه در جریان تحولات سدهٔ معاصر، نیروی انسانی که تا چندی پیش همپای دیگر منابع پنداشته می‌شد، در ارتقای بهره‌وری نقش محوری یافت و تعاریف بهره‌وری، سمت و سوی انسانی و فرهنگی به خود گرفت، به طوری که آژانس بهره‌وری اروپا، بهره‌وری را به صورت زیر تعریف کرد: «بهره‌وری در درجهٔ اول دیدگاه فکری است که همواره سعی دارد آنچه را که در حال حاضر موجود است،



بهبود بخشد. مبتنی بر این عقیده است که انسان می‌تواند کارها و وظایفش را هر روز بهتر از روز قبل انجام دهد.» (دری نجف آبادی، / پیشگفتار)؛ اما همچنان اهداف اقتصادی و رفاه طلبی بر آن سایه افکنده و انسان را به سطح یک موجود سراسر مادی، رفاه طلب، خوش گذران و مکانیکی فرو کاسته است که اسیر امیال و نیازهای حیوانی دنیای خویش است.

اما از دیدگاه اسلام، هدف غایی خلقت، شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی انسان در جهت قرب الهی است. با این تفسیر از انسان، بهره‌وری رنگ و بویی دیگر می‌یابد که تحت تأثیر اهداف اسلامی، تعالی انسان را در پی خواهد داشت. از سویی دیگر، میان اهداف جامعه و تعریف بهره‌وری رابطه تنگاتنگی برقرار است. نظریه پردازان غربی با هدف تأمین حداکثری نیازمندی‌های مادی افراد جامعه، بهره‌وری را در چارچوب خواسته‌های مادی انسان تعریف کرده‌اند. از این رو سایه سنگین اقتصاد و سرمایه‌داری نه تنها بهره‌وری، که سایر خرده‌سامانه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را نیز تحت الشعاع خود قرار داده و به نفع تحقق اهداف نظام اقتصادی، به جرح و تعدیل آنان پرداخته است. به دیگر سخن، نبض جامعه در غرب بر محور اقتصاد استوار است و همه چیز از دریچه سرمایه‌داری تعریف می‌شود، حتی بهره‌وری.

بر خلاف نظام غرب، اسلام، با ارائه نگرشی ارزش‌مدارانه و مبتنی بر بینش الهی، طرحی نو از آفرینش هستی و در رأس آن انسان ارائه کرد و نظام فرهنگی-اجتماعی توحیدی را بنیان نهاد. خرده‌سامانه‌های درون این نظام بر محور خداوند و با هدف قرب به او تعریف می‌شوند. بنابراین، نه تنها اقتصاد دیگر نمی‌تواند بر همه سامانه‌ها سایه بگستراند، بلکه خود در زیر چتر توحید، چارچوب‌بندی و تعریف می‌شود. از این رو اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع و ... بر محوریت «الله» سامان می‌یابند و برای تحقق هدف کلان جامعه اسلامی، تربیت انسان را سرلوحه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خویش قرار می‌دهند.

روشن است که انسانی که در درون این نظام رشد کند، با انسانی که در نظام غرب پرورش یافته، متفاوت خواهند بود. تلاش‌های این به تعالی خود و جامعه در

راستای دستیابی به هدف آفرینش، یعنی سرسپردگی محض در برابر خداوند می‌انجامد و کوشش‌های او با ظاهری فریبنده و باطنی پوچ، نه تنها موجب رشد وی نمی‌گردد که به انحراف و تباهی سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه نیز منجر می‌شود. ایثار، کمک به تهیدستان، امنیت، تعهد، اخلاق، عدالت، ایمان‌ورزی، نصیحت، خدمت، شکرگزاری، دانش‌اندوزی، استقامت‌ورزی، احسان، امید و ... نتیجه این است و ستم، پایمال کردن حقوق دیگران، فساد، زراندوزی، قدرت‌طلبی، شهرت، خودخواهی، لذت‌جویی، خودپرستی، رفاه‌مداری، ناسپاسی، سرکشی، غفلت، تجمل‌گرایی و ... پیامد آن.

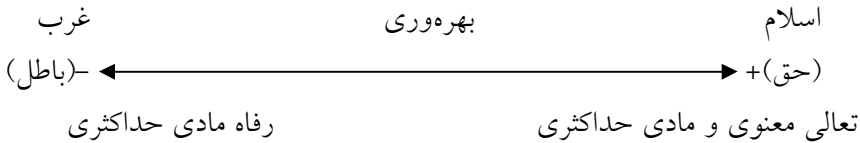
بر اساس شیوه‌هایی که در ایجاد انگیزه کار در نظام مادی مطرح است، سعی می‌گردد با برجسته کردن منافع مادی و تقویت حس مقام‌خواهی و وعده ارضای خواسته‌های جاه طلبانه افراد، تلاش و انگیزه آنان افزایش یابد. به بیانی دیگر، افراد را به درون خویش می‌برند تا تلاش بیشتری انجام دهند. اما در تفکر اسلامی سعی بر آن است تا با بهره‌گیری از اعتقاد به قیامت، کاهش زیاده‌خواهی مادی انسان‌ها و مسئولیت‌پذیری، انسان را از درون خود خارج ساخته و خدمت به دیگر انسان‌ها را عامل تحریک و تشویق برای کار بیشتر قرار دهند. تنها در صورت تحقق این تفکر است که هم زمان با توسعه مادی، رشد فضایل اخلاقی را نیز خواهیم داشت و این، مفهوم بهره‌وری در تفکر اسلامی است.

در اسلام، تقویت و زمینه‌سازی رشد آثار قوانین، برنامه‌ریزی و آموزش به وسیله باورهای دینی صورت می‌پذیرد و این عین بهره‌وری است. مثلاً وقتی به جامعه اسلامی گفته شود فعل خلاف قانون حرام است، در حقیقت باور دینی در خدمت رشد بهره‌وری قرار می‌گیرد. (بنیانیان، ۱۷۴)

با توجه به مطالب بالا، روشن گردید بهره‌وری در غرب در راستای اهداف لیبرالیسم و سرمایه‌داری تعریف شده است که با اهداف الهی ناسازگار است؛ بنابراین افزایش بیشتر بهره‌وری در غرب، دور شدن بیشتر انسان از خداوند را در پی دارد که عین خسران و تباهی است، اما در نظام اسلامی، هدف، نزدیک شدن به



خداوند است و افزایش بهره‌وری، درست در جهت تعالی انسان و نیل به قرب الهی و جوار رحمت حضرت حق قرار دارد.



انسان، محور بهره‌وری

آنچه شاه بیت غزل شیوای پیشرفت و بالندگی یک جامعه زنده و پویاست، نیروی انسانی آن جامعه است. بی‌شک، نیروی انسانی مهم‌ترین عامل توسعه اقتصادی- اجتماعی به شمار می‌رود. هنگام بحث از استفاده بهینه از منابع، سخن از مهم‌ترین بخش آن یعنی استفاده مطلوب از منابع انسانی به میان می‌آید. زیرا استفاده بهینه از سایر منابع اعم از ماشین‌آلات، مواد، انرژی و غیره محدود است و هر یک سقفی دارند و تحت هیچ شرایطی نمی‌توان از آن سقف تجاوز نمود. اما انسان، تنها عامل تولید است که عملکرد وی هیچ‌گونه محدودیتی ندارد. انسان از یک سو می‌تواند نقشی مخرب داشته باشد و از سوی دیگر تجلی و اسوه خلاقیت و اوج کمال باشد. تنها انسان است که می‌تواند کمیت و کیفیت کار خود را ارتقا دهد، طرح‌های جدید ارائه دهد و با خلاقیت خود مشکلات را از پیش راه بردارد، بر نیروی کار خود بیفزاید و برای کاهش هزینه‌ها چاره‌ای بیندیشد. و در یک کلام، تنها عاملی است که می‌تواند تغییراتی در خود و محیط اطراف خود به وجود آورد. بدیهی است که رشد انسان و بهره‌وری او در گرو یکپارچگی شخصیت و جریان زندگی او خواهد بود و این نیز مرهون حاکمیت اصول وحدت بخش بر تمام بنیادهای اجتماعی است. اصولی که هماهنگ با نظام هستی و فطرت انسان‌هاست، و این امر تنها در سایه اندیشه خدامحوری قابل شکل‌گیری است. (افراه، ۲۹)

بر پایه مطالب گذشته، روشن می‌گردد که هدف اصلی این نوشتار، از نظر دیدگاه عام، دیدگاه فرهنگی بهره‌وری است و از نظر نظام، نظام جامع بهره‌وری با

تأکید بر نقش محوری انسان و از نظر سطوح، سطح فردی و اجتماعی بهره‌وری است که به بررسی بهره‌وری از دیدگاه قرآن کریم با تأکید بر سوره عصر محدود می‌شود.

بهره‌وری در آینهٔ ثقلین (قرآن و عترت)

به طور کلی در ادیان و مذاهب گوناگون، دو بینش نسبت به دنیا و عالم طبیعت حاکم است: یکی مثبت و نشأت گرفته از وحی الهی که بر آبادانی طبیعت، کار و تلاش، سازندگی و بهره‌وری حداکثری از نعمت‌های الهی تأکید می‌کند و دیگری منفی، که یا از غیر وحی سرچشمه گرفته و یا وحیی است که در گذر زمان تحریف و یا بد تفسیر شده است. این دیدگاه که با عقل و اندیشه منافات دارد، بر گوشه‌گیری، استفادهٔ حداقلی از منابع و نعمت‌های خدادادی، عدم تلاش و کوشش برای آبادانی دنیا و فردگرایی پافشاری می‌کند.

در اسلام، بر اساس آیات زندگی‌آفرین قرآن کریم و روایات حیات‌بخش ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام، دیدگاه نخست ترویج و تأیید شده است.

تلاش و کوشش: ﴿وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم/۳۹)

«و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده است چیزی نیست.»

آباد کردن زمین: ﴿وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾ (هود/۶۱)

«و به سوی قوم تمود، برادرشان صالح را [فرستادیم]. گفت: ای قوم من! خدا را بپرستید. برای شما معبودی جز او نیست. او شما را از زمین پدید آورد و آباد کردن آن را به شما سپرد. پس، از او آمرزش بخواهید، سپس به درگاهش توبه کنید. به راستی پروردگار من نزدیک و اجابت کننده [دعا] است.»

کسب دارایی متعهدانه: ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (توبه/۴۱)

«[همگی] سبکبار و گرانبار کوچ کنید و با نیروی مالی و بدنی خود در راه خدا به جهاد پردازید. این برای شما بهتر است اگر بدانید.»



رفاه: «قال الامام الرضا عليه السلام: إن الذي يطلبُ من فضلِ يَكْفُ به عِيَاله، أعظم أجراً من المجاهدِ في سبيلِ الله» (ابن شعبه حرانی، ۳۲۸) «آن کس که در پی به دست آوردن مالی بیش است تا با آن کفاف زندگی خانواده خود را فراهم آورد، اجر او از کسی که در راه خدا جهاد می کند بالاتر است.»

در همین زمینه، برخی در توضیح آیه ﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (بقره/۲۱۰) «و از جمله آنان کسی است که می گوید: پروردگارا، در دنیا به ما بهره نیکو و در آخرت نیز بهره نیکو عطا کن؛ و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار.» نوشته اند: حسنۀ دنیا یعنی رفاه، زندگی، عاقبت، سلامت، معیشت خوب و زندگی با یک بینش مبتنی بر واقعیت، رشد، آسایش و امنیت و حسنۀ آخرت یعنی رضوان الهی، عاقبت نیک، سعادت مندی. و این جز در سایه بینش صحیح و تلاش سالم و در نتیجه بهره‌وری بالا امکان پذیر نیست. (دری نجف آبادی، ۵)

اگر از چشم انداز بهره‌وری به آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام بنگریم، با انبوهی از معارف و مفاهیم اسلامی روبه‌رو می‌شویم که هر یک زوایای آشکار و پنهان بهره‌وری را به تصویر کشیده‌اند؛ هر چند در نگاه نخست، ارتباط میان این مفاهیم و بهره‌وری دور از ذهن به نظر برسد. اسلام به ارزش‌محوری، مثبت‌اندیشی، نظم و انضباط، شکرگزاری، انجام صحیح و کامل کارها، مدیریت و حس تدبیر، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری، سرعت و دقت، صرفه جویی، چاره‌اندیشی، تلاش و کوشش، استفاده صحیح از عمر، برخورد درست با طبیعت و بهره‌مندی از نعمت‌های خدادادی تشویق می‌کند و از تنبلی و تن‌پروری، اسراف و تبذیر، تنگ نظری و کوتاه بینی، سوء تدبیر، جهل، تحجر، منفی‌نگری، هدر دادن عمر و سرمایه و عدم برنامه‌ریزی بر حذر می‌دارد و در این راه، انسان‌ها را به سوی الگوگیری از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام سوق می‌دهد.

به عنوان نمونه، در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از سوء تدبیر در امور که رویه دیگر بهره‌وری است، بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «ما أخاف علی امتی الفقراً ولكن أخاف علیهم سوء التدبیر» (احسائی، ۳۹/۴) «من از فقر بر امتم بیم ندارم، لیکن

از آنچه که بیمناکم سوء تدبیر است.» یا در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ثلاث یحجزن المرء عن طلب المعالی، قصر الهمة و قلة الحيلة و ضعف الرأی» (ابن شعبه حرانی، ۳۱۸/۱) «سه چیز انسان را از دستیابی به امور والا باز می‌دارد: کوتاهی همت، کم‌چارگی (بهره‌وری پایین) و سستی اندیشه.» امام صادق علیه السلام در این سخن، دست یافتن به بزرگی‌ها را منوط به بهره‌وری بالای فرد دانسته است. انسان‌هایی که همت بلند را با تدبیر و تصمیم‌گیری‌های دقیق به هم می‌آمیزند، در حقیقت زمینه را برای ارتقای بهره‌وری خویش فراهم ساخته‌اند.

امام صادق علیه السلام سخنی بسیار نیک در موضوع بهره‌وری دارند که عمق نگاه اسلام را نسبت به وظیفه انسان در هر عصر و نسلی نشان می‌دهد؛ «من استوی یوماه فهو مغبون» (صدوق، معانی الاخبار/۳۴۲) «هرکس دو روزش یکسان باشد، مغبون است.» هر جا که اسلام از تکامل و پیشرفت سخن گفته است، چشم اندازی از بهره‌وری در پیش دیدگان مسلمانان گشوده است که در پرتو آن، لحظه‌ای از تلاش و کوشش دست برندارند و هر روز بهتر از روز گذشته به فعالیت خویش جهت دهند.

از سوی دیگر، قرآن کریم پیوسته بر نعمت‌های خدادادی تأکید می‌کند و انسان‌ها را به استفاده مطلوب از نعمت‌های مادی و معنوی خداوند دعوت می‌کند. نیز خاطر نشان می‌سازد که از همه نعمت‌ها سؤال خواهد شد؛ ﴿ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر/۸) «سپس در آن روز حتماً از نعمت‌ها سؤال خواهید شد.» مفسران در ذیل این آیه از نعمت‌هایی چون سلامتی، جوانی، ولایت و... نام برده‌اند که در روز رستاخیز از تک تک آنها سؤال می‌شود. در همین زمینه از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «و أعلم أنك ستسأل غدا إذا وقفت بین یدی الله عزوجل عن أربع: شبابک فی ما أبلیته و عمرک فی ما أفنیته و مالک مما إکتسبته و فی ما أنفقته... فخذ حذرک و جد فی أمرک» (کلینی، ۱۳۵/۲) «بدان که فردا، هنگامی که در پیشگاه خداوند بزرگ‌مرتبه قرار بگیری، از چهار چیز پرسیده خواهی شد: جوانی‌ات که آن را در چه چیز سپری کردی، و عمرت که آن را در چه چیز گذراندی و دارایی‌ات که چگونه به دست آوردی و در چه چیز مصرف نمودی ... پس مراقب باش و در



کارت بکوش.» بر این اساس، این آیه بر بهره‌وری دلالت دارد. بدین توضیح که مفهوم آیه این است که استفاه از نعمت‌های الهی را در سرلوحهٔ کارتان قرار دهید و از هر نعمتی، آن چنان استفاده کنید که در شمار شاکران درآیید و نه در طومار کافران، که در آن روز، پشیمانی سودی نبخشد.

روایات متعددی بر این مطلب اشاره کرده‌اند که پرداختن به امور بی‌فایده و حتی کم فایده، شایستهٔ مؤمن نیست. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَقْصُرْ رَأْيَكَ عَلَى مَا يُعْنِيكَ» (شهیدی، ۳۵۴/۳) «تنها در چیزی بیندیش که تو را باید و به کارت آید.» و «إِنَّ رَأْيَكَ لَا يَتَّسِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَفَرِّغْهُ لِمُهْمٍ» (آمدی، ۵۷/۵۷، حدیث ۵۵۵) «رأی و فکر تو گنجایش همه چیز را ندارد، پس او را برای پرداختن به امور مهم آزاد گذار.» «فاطلب ما يعينك و اترك ما لا يعينك فان في ترك ما لا يعينك درك ما يعينك» (ابن شعبه حرانی، ۲۱۸/۲) «آنچه به کارت آید بجوی و آنچه به کارت نیاید رها کن، زیرا دریافت آنچه به کارت می‌آید در گرو وانهادن آنچه به کارت نیاید، می‌باشد.» روشن است که امور بیهوده و حتی کم فایده، از بهره‌وری تهی هستند؛ به همین دلیل است که قرآن یکی از ویژگی‌های مؤمنان را دوری از لغو و امور بیهوده برشمرده است؛ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾ (مؤمنون/۳) «و آنان که از بیهوده رویگردانند.»

در روایات دیگری از «تسویف»، یعنی کار امروز را به فردا انداختن، شدیداً نهی شده است. زیرا این فکر و این عمل کاملاً با بهره‌وری مؤمن ناسازگار است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ایاکم و التسویف فی العمل بادروا به اذا امکنکم» (همان، ۱۲۲/۱) «بر حذر باشید از عقب انداختن کارها، هنگامی که امکان کاری برایتان به وجود آمد، اقدام کنید»

نتیجه آنکه در فرهنگ غنی اسلام چه در عبادات و چه در معاملات، سیاست و اخلاق، دقیقاً اصول بهره‌وری در لابه‌لای قوانین و احکام، حتی در تنظیم وقت برای عبادات و اعمال گنجانده شده است.

از همین رو در اسلام، هر چند کارآیی و اثربخشی مهم است، ولی از آن مهم‌تر، تلفیق این دو، یعنی بهره‌وری است.

در اینجا لازم است نخست حالات چهارگانه پیش گفته را از دیدگاه قرآن کریم بررسی کنیم و سپس بر اساس آن بحث را بر سوره عصر متمرکز سازیم. بدیهی است که سرمایه و داده هر انسانی، عمر گرانبهای اوست که انسان از این عمر گرانبها به چهار صورت می‌تواند بهره‌برداری کند:

۱. انسان عمرش را درست مصرف کند (کارآیی مثبت) و هر لحظه، یک گام به خداوند نزدیک‌تر شود (اثربخشی)، مانند کسی که به یتیم، اسیر و مسکین فقط و فقط به خاطر خداوند طعام دهد؛

﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿انسان/ ۹-۸﴾

(و طعام را با اینکه دوست دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می‌دهند [و می‌گویند]: ما فقط برای خشنودی خدا به شما طعام می‌دهیم، از شما نه پاداشی می‌خواهیم و نه تشکری.)

۲. انسان عمرش را درست مصرف کند (کارآیی مثبت)، اما در عین حال به خداوند نیز نزدیک نشود (اثربخشی منفی). چنین شخصی به زبان قرآن «خاسر» است؛ یعنی نه تنها سود به دست نیاورده، بلکه سرمایه را نیز از دست داده است؛

﴿قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَ لِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًّا﴾ (کهف/ ۱۰۵-۱۰۳)

«بگو: آیا شما را از زیانکارترین [مردم] خبر دهیم؟ همانان که تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته است، در حالی که می‌پندارند که خوب عمل می‌کنند. اینان کسانی‌اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کرده‌اند، در نتیجه اعمالشان تباه شده است؛ از این روی روز قیامت برای آنان ارزشی نخواهم نهاد.»

یا مانند کسی که صدقه‌ای به نیازمندی بدهد، اما با منت و برای ریا، نه برای خدا؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْاِدْيِ كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۶۴)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدقات خود را با منت گذاشتن و آزار رساندن تباه نکنید، مانند کسی که مال خود را برای نمایاندن به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد، که



داستان او مانند این است که بر روی سنگی صاف اندک خاکی باشد [که در آن کشت کرده‌اند]، پس رگباری به آن برسد [و خاک را بشوید] و آن را به صورت سنگی سخت بر جای گذارد. [ریاکاران] از آنچه به دست آورده‌اند، بر چیزی قادر نیستند. و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.»

۳. انسان عمرش را درست مصرف نکند و معصیت کند (کارایی منفی)، اما نهایتاً با توبه به خداوند باز گردد (اثر بخشی مثبت). مانند کسی که از سر جهالت و غفلت گناهی کرده باشد و با توبه آن را از بین ببرد؛

﴿إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء/۱۷)

«جز این نیست که پذیرش توبه از سوی خدا برای کسانی است که از روی نادانی کار بد را انجام می‌دهند، سپس به زودی توبه می‌کنند، اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد و خدا دانا و حکیم است.»

۴. انسان عمرش را در معصیت بگذراند (کارایی منفی) و از معشوق حقیقی خویش نیز باز بماند، سرمایه عمر را از کف بنهد و هیچ فرا چنگ نیاورد (اثر بخشی منفی). قرآن چنین شخصی را «ظالم» معرفی می‌کند؛

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (بقره/۱۱۴)

«و کیست ستمکارتر از آن کس که از ذکر نام خدا در مساجد او جلوگیری کند و در ویرانی آنها بکوشد؟ اینان برایشان روا نیست که جز با حالت ترس به آنها در آیند. برای آنان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود.»

و یا مانند کسی که از اموالی که خداوند به او عطا کرده است تا در جهت نزدیکی خود و دیگران به خداوند به کار گیرد، در بازداشتن مردم از راه خداوند مصرف کند؛

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾ (انفال/۳۶)

«بی‌تردید کسانی که کفر ورزیده‌اند، اموالشان را هزینه می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا باز دارند. آنان، آنها را هزینه خواهند کرد، سپس مایه حسرتشان می‌شود و سرانجام مغلوب می‌گردند. و کسانی که کفر ورزیده‌اند، به سوی جهنم محشور می‌شوند.»

قسم دوم، سوم و چهارم از حوزه بحث این نوشتار خارج است. در اینجا سخن بر سر دسته اول است؛ بهره‌وران سخت کوش و عاشقان، که لحظه‌ای از یاد دوست غافل نیستند و پیوسته در تلاش و کوششند و لحظه لحظه، گام به گام به بارگاه کبریایی عزت و جلال و جمال الهی نزدیک می‌شوند. ویژگی‌های این انسان‌های بهره‌ور در سراسر قرآن کریم به تصویر کشیده شده است. در اینجا تنها به بررسی چهار ویژگی مهم آنان که در سوره کوتاهی با نام سوره عصر گزارش شده می‌پردازیم. امید که به کار گیریم و با عمل، بهره‌وری را به دیگران آموزش دهیم.

سوره عصر، ستیغ بهره‌وری

۱. سوره عصر در یک نگاه

محیط مکه -محیطی که سوره عصر در آن محیط نازل شد- از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی حائز اهمیت است. دوری از تمدن و دانش، زندگی سخت و ناگوار، مردمی خشن و متعصب با عادات و رفتار استثنایی، طبیعت خشک و لم یزرع، شغل‌های ناسالم، انسان‌هایی خرافاتی و خونریز با رفتارهای ناهنجار، دارای عقاید بت‌پرستی و اخلاق زشت، رواج بردگی و بندگی، زنجاری و شب‌نشینی و میگساری و قمار، ظلم و ستم و بی‌عدالتی، جنگ و خشونت و بی‌رحمی و از سوی دیگر، مرکز ثقل تجارت و مبادله کالا، کانون شعر و شاعری و سخنوری، محل رفت و آمد ادیبان و سخنوران و شاعران، پایگاه دینی و مذهبی و وجود خانه کعبه؛ تصویر سایه روشنی از بافت فرهنگی مکه پیش از نزول قرآن کریم؛ و ترویج توحید و یکتاپرستی، نفی طاغوت و چندگانه پرستی، شکوفایی استعدادهای انسانی، تعمیق و توسعه اخلاق نیکو و مهرورزی، آزادی و عدالت‌گستری و خردورزی، خدمت به دیگران، ایثار و احسان، محبت و عطوفت و در یک کلام، افزایش بهره‌وری فرد و جامعه در جهت قرب به خداوند، نمایی از تأثیر کلام جاودانه خداوند است. به دیگر سخن، سوره عصر همپای سایر سوره‌ها در چنین فضایی بهره‌وری آفریده است. بی‌شک در فضای کنونی جامعه اسلامی،



عمل به فرامین این سوره کوتاه نیز می‌تواند باری دیگر اعجاز قرآن کریم را عملاً به جهانیان بفهماند.

این سوره از سه بخش اصلی تشکیل یافته است: زمان، انسان و ارکان بهره‌وری انسان (ایمان، عمل صالح، سفارش به حق و سفارش به صبر). نام این سوره از حساس‌ترین واژه این سوره که در آیه نخست آن آمده، گرفته شده است. بر این اساس، درونمایه این سوره از نام آن آشکار است؛ عصر، قسم به عصر، عمر انسان، از دست دادن زمان، استفاده درست از زمان و فرصت اندک انسان. خداوند در این سوره بر عمر انسان که تنها سرمایه اوست تأکید می‌ورزد و راه بهره‌وری از آن را در راستای شکوفایی استعدادهاى فردی و اجتماعیش به او نشان می‌دهد.

۲. عمر، سرمایه انسان مؤمن

روشن است که سرمایه اصلی انسان در این دنیا عمر اوست؛ زمان محدودی که از تولد او آغاز و با مرگ او پایان می‌یابد. انسان فرصت دارد در این زمان کوتاه برای ابدیت خویش توشه بگیرد. زندان زمان، نقش تعیین کننده‌ای در کیفیت اعمال انسان دارد. از یک سو با محدودیت زمانی چند ده‌ساله روبه‌روست و از سوی دیگر، بخش قابل توجهی از این زمان اندک نیز باید صرف خواب، استراحت، خوردن، آشامیدن، رفت و آمد، تفریح، بهداشت و ... شود. از سوی سوم، بخش نخست عمر متناسب با فضای کودکی صرف بازی می‌شود و بخش انتهایی عمر نیز به علت کهنوت و بیماری چندان فایده‌ای ندارد. با این تحلیل، آنچه برای یک انسان باقی می‌ماند، در حدود یک یا نهایتاً دو دهه است. خداوند در همین زمان اندک از او خواسته است تا استعدادهايش را به تکامل برساند و پس از آن مسیر رشد را دنبال کند. اینجاست که بهره‌وری اهمیت صد چندان می‌یابد.

از سوی دیگر، ارزش وقت و زمان و عمر در فرهنگ اسلامی به نحو قابل توجهی مورد تأکید و عنایت قرار گرفته است. عمر و زمان بهترین و ارزشمندترین سرمایه انسانی است که در صورت از دست رفتن، دوباره به دست نخواهد آمد. در روایات اسلامی و آیات قرآن بر اهمیت و جایگاه زمان و فرصت‌ها و همچنین

استفاده بهینه و مطلوب از آن تأکید فراوان شده است. امام علی علیه السلام برخلاف فرهنگ عامه که عمر انسان‌ها را با سال می‌سنجند، عمر انسان را با تعداد نفس‌های او می‌سنجند و این، حساسیت عمر انسانی و سرمایه زندگی او را نشان می‌دهد؛ «إِنَّ عَمْرَكَ عَدَدُ أَنْفَاسِكَ وَ عَلَيْهَا رَقِيبٌ تَحْصِيهَا» (آمدی، ۱۵۸، حدیث ۳۱۰۵) «عمر تو، شماره نفس‌های توست و این نفس‌ها را نگهبانی شمارش می‌کند».

در اسلام به دلیل اهمیت زمان و افزایش بهره‌وری، هم به صورت عام و هم به صورت خاص، تمهیداتی پیش‌بینی شده است. از نگاه عام، همه اعمال انسان در هر زمانی -از زمان خوابیدن، خوردن، آشامیدن، تفریح، ورزش، رفت و آمد گرفته تا زمان برنامه‌ریزی، کار، دید و بازدید، خدمت، عبادت، تفکر- اگر برای خدا باشد، از درجه‌ای از بهره‌وری برخوردار است و از چشم‌انداز خاص، بعضی از زمان‌ها -ماه مبارک رمضان، شب قدر، اعیاد اسلامی، بین الطلوعین- نسبت به دیگر زمان‌ها به دلایل گوناگونی از اهمیت بیشتری برخوردارند و برای هر عملی که در این زمان‌ها انجام پذیرد، پاداشی چندین برابر در نظر گرفته شده است. مثلاً در مورد اعمال شب قدر که ارزش آن معادل هزار ماه و یا قرآن خواندن در ماه مبارک رمضان، که قرائت هر آیه از قرآن مطابق خواندن کل قرآن است.

نتیجه اینکه انسان راهی جز افزایش بهره‌وری در اعمالش ندارد و آن نیز در گرو استفاده بهره‌ورانه از زمان و عمرش است. این نکته به شکلی حیرت‌آور در سوره عصر آمده است. افزون بر اینکه نام سوره، خود به زمان و اهمیت آن برای انسان اشاره می‌کند. زمان به واسطه نقش کلیدی در حیات انسانی، در جایگاهی قرار گرفته که خداوند به عنوان قسم از آن یاد کرده است و بلافاصله پس از آن، از خسران همه انسان‌ها و از دست دادن عمر و عدم بهره‌وری از آن سخن به میان آمده و بعد، برخی استثنا شده‌اند. دلیل این خسران را باید در نوع استفاده -کارآیی، اثربخشی، بهره‌وری- از «زمان» و «عمر» جست‌وجو کرد. زیرا عمر، سرمایه اصلی انسان است و در صورت از دست دادن آن، در حقیقت سرمایه خویش را از دست داده است که جبران‌پذیر نیز نیست.



بنابراین از دیدگاه قرآن کریم، یکی از ویژگی‌های انسان‌ها و جوامع بهره‌ور این است که از زمان و عمر خود کمال استفاده را می‌نمایند. برای استفاده صحیح از این سرمایه گرانبها، برنامه‌ریزی می‌کنند. اصل نظم و انضباط در جان و روان آنان ریشه دوانیده است. برای هر لحظه و هر آنی، برنامه‌ای دارند. هیچ لحظه‌ای نیست که در آن لحظه، سهل انگاری، سستی، تنبلی، بی‌حوصلگی و ... بر آنان سایه بگستراند. مؤمنان بهره‌ور بر عمر خویش مدیریت دارند و برای هر عملی، وقتی در نظر می‌گیرند؛ ساعتی را برای مناجات با خداوند، ساعتی را برای کار و معاش و ساعتی را برای معاشرت با برادران و ساعتی نیز برای لذت‌های حلال و تفریحات سالم. و همه اعمالشان را با عنصر اخلاص، به بالاترین حد بهره‌وری می‌رسانند.^۱

۳. ایمان، پایه بهره‌وری

همان‌گونه که پیش‌تر رفت، بهره‌وری از نگاه اسلام بر محور انسان استوار است و هر چه انسان‌شناسی دقیق‌تر باشد، امکان دستیابی به بهره‌وری بیشتر، هموارتر خواهد بود. یکی از اصول بهره‌وری در قرآن کریم، این اصل است که انسان هر چه الهی‌تر شود، بهره‌وریش بیشتر رخ می‌نماید. بر این اساس، میان بهره‌وری و ایمان رابطه مستقیمی برقرار است. از دیدگاه قرآن کریم هر چه انسان بر ایمانش بیفزاید، در حقیقت بر بهره‌وریش افزوده است. هر جا که خداوند از ایمان و مؤمن و ویژگی‌های مؤمنین سخن به میان می‌آورد، در حقیقت رویه دیگری از بهره‌وری را در برابر چشم مخاطبان قرآن کریم می‌نهد. ایمان، از درون در انسان روح تعهد و مسئولیت می‌دمد و نور سازندگی، تلاش و تکاپو را در وجود وی ساری و جاری می‌کند و انگیزه، اندیشه و فکر انسان را بارور و شکوفا می‌سازد. به دیگر سخن، قوه محرکه عمل صالح، ایمان است و این عنصر حرکت‌آفرین، چهره بهره‌وری خویش را در آئینه اعمال صالح نمودار می‌سازد.

یکی از آیاتی که جایگاه کلیدی ایمان در بهره‌وری را بسیار شفاف و زیبا به تصویر کشیده است، آیه ۶۵ و ۶۶ سوره انفال است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ

كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۗ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَاعْلَمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ۗ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٦﴾

«ای پیامبر، مؤمنان را به جنگ [با دشمن] تشویق کن [و بگو]: اگر از شما بیست تن شکیبا باشند، بر دویست تن غالب می‌شوند، و اگر از شما یکصد تن [شکیبا] باشند، بر هزار تن از کافران غالب می‌گردند، زیرا آنان مردمی هستند که نمی‌فهمند. اکنون خدا به شما تخفیف داد و دانست که در شما ضعفی هست. پس اگر از شما یکصد تن شکیبا باشند، بر دویست تن غالب می‌شوند، و اگر از شما هزار تن [شکیبا] باشند، به اذن خدا بر دو هزار تن غالب می‌گردند، و خدا با صابران است.»

بر اساس این آیه، جمعیت مؤمنین باید نسبت به جمعیت کفار به نسبت یک به ده، بهره‌وری داشته باشند و واجب است که هر مؤمن توان مقابله با ده نفر را داشته باشد. این تکلیف فقط در اندیشه ایمان محوری مطرح و مقرر است و صرفاً در جامعه‌ای که بنیان اهدافش مستحکم است، یعنی اهدافش به طور افقی به خوبی تجزیه شده و به صورت عمودی به نحو درستی در هم ترکیب و ادغام شده و در نهایت به «الله» ختم می‌شود و در عمل آشکار می‌گردد، ظهور و بروز می‌یابد.

روشن است که شرط اول برای بهبود بهره‌وری و رفع تعارضات و افزایش تلاش‌ها و محبت‌ها و ایجاد محیط امید و نشاط در هر جامعه‌ای، تنظیم اهداف خرد، میانی و کلی به سوی هدف کلان و محوری آن جامعه است که در آن، بین اهداف فرعی و واسطه‌ای جامعه با اهداف اصلی‌اش، و بین اهداف فردی و گروهی، و بین اهداف نظام اجتماعی آن با اهداف سایر نظام‌هایش (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، تربیتی و...) هماهنگی و هم‌جهتی به وجود آید و همه اهداف ریز و درشت در درون سیستم بزرگ، فقط و فقط یک هدف را نشانه‌گیری کنند، و این تنها در اندیشه ایمان محوری است که به طور کامل تحقق می‌پذیرد، و بر این اساس هم جمعیت مؤمنین و هم جامعه اسلامی در یک مسیر رشد دائمی قرار می‌گیرند و هر لحظه افق‌های تازه‌تری از موفقیت و پیروزی و بهره‌وری برایشان آشکار می‌گردد. (پورسیف، ۱۶/ [با دخل و تصرف])

بنابراین رمز تحقق و پایه اساسی بهره‌وری، ایمان است. همچنان که ایمان دارای مراتبی است، بهره‌وری نیز به مراتبی تقسیم می‌شود و هر سطح ایمان با سطحی از



بهره‌وری ارتباط تنگاتنگی دارد. با این تفسیر از ایمان، بهره‌وری وارد عرصه‌ای پایان‌ناپذیر می‌گردد و بر خلاف تعریف غربیان از بهره‌وری که بوی محدودیت می‌دهد، در قرآن کریم گستره بی‌حد و مرز بهره‌وری، انسان را به تاخ و تاز بیش از پیش در این عرصه فرا می‌خواند و انگیزه او را آن‌چنان تحریک می‌کند تا به مقام فناء فی الله دست یابد و هیچ‌گاه از تلاش و کوشش حتی برای یک لحظه دست برندارد. از نظر قرآن کریم، ایمان از زوایای دیگری نیز افق‌گشایی می‌کند و بهره‌وری را در چشم‌اندازهای بی‌حد و حصر دیگری نیز به تصویر می‌کشد.

افزایش ایمان، بسته به افزایش سه عامل دیگر است: یقین، معرفت و عبادت. به دیگر سخن، آنچه ایمان را درجاتی بخشیده است، ساز و کار مراتب این سه جزء بوده است و نحوه ارتباط آنان سبب گردیده ایمان تا بی‌نهایت پرواز کند و در نتیجه، بهره‌وری نیز در پیوستاری از هیچ تا بی‌نهایت قرار گیرد.

در قرآن کریم درباره عبادت، این آیه بسیار عبرت برانگیز، تنبه‌آفرین، حرکت ساز و جامع است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶)
(«و جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا پرستش کنند.»)

آیه بالا مفید حصر است؛ یعنی تنها و تنها جن و انس را برای عبادت آفریده‌ام. مفاد آیه این است که آفرینش انسان و جن فقط برای عبادت است و اگر آن دو کار غیر عبادی انجام دادند، در آن زمان از هدف دور شده‌اند. بنابراین باید تمام کارهای انسان صبغه عبادی داشته باشد و مباح را هم در راستای خدمت اجتماعی و احسان و ایثار قرار دهد و هدف نهایی او قرب الهی باشد. در این حالت است که همه اعمال مؤمن عبادت محسوب می‌گردد. استراحت او، کار او، تفریح او، آشامیدن او، سکونت او و حتی خواب او عبادت به شمار می‌آید و این عین بهره‌وری است.

مؤمنان به عبادت‌های خود سمت و سوی قرب الهی می‌دهند. در این هنگام است که به اوج بهره‌وری گام می‌نهند و با الگوگیری از انسان کامل، عمر خویش را در راه دوست به پایان می‌برند. انسان کامل نیز به مقصد نهایی عبادت بار یافته است. خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: ﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۲﴾ (انعام/۱۶۲) «بگو: همانا نماز و [دیگر] عبادات من، و زندگی و مرگ من برای خدا پروردگار جهانیان است.»

از سوی دیگر، انگیزه عبادی مسبوق به اندیشه معرفتی است و عبادت بی معرفت اوجی ندارد. خدای سبحان هدف آفرینش نظام کیهانی را معرفت بشر به علم و قدرت الهی اعلام کرد؛ ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق/۱۲)

«خداست آنکه هفت آسمان آفریده و از زمین نیز مانند آنها [خلق کرده است]. فرمان او در میان آنها فرود می‌آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و علم او هر چیزی را فرا گرفته است.» از مجموع آیه عبادت و آیه مذکور کاملاً استنباط می‌شود که هدف اساسی آفرینش عالم و آدم، معرفت و عبادت است، به طوری که اگر جامعه بشری عارف و عابد شد، به مقصد رسیده است، وگرنه خود، خاسر و خائب شده است.

از سوی دیگر عبادت، هدف متوسط است. هدف نهایی آن است که انسان از پل عبادت به مقصد یقین برسد و عصاره سالیان متمادی عبادت را در ظرف یقین گردآورده نگهداری کند؛ چون انسان تا به یقین نرسد، ممکن است عبادات، اعتقادات، اخلاقیات و خلاصه همه چیز او در معرض زوال و نابودی قرار گیرد، اما وقتی به یقین رسید، آرام و قرار می‌یابد؛ ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (حجر/۹۹) «و پروردگارت را تا هنگامی که یقین (مرگ) به سراغ تو آید پرستش کن.»

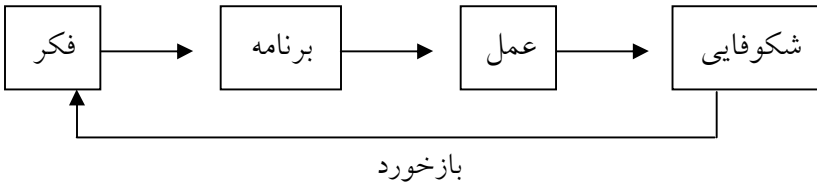
یقین، همان نورانیت، شهود و صفای باطن است که اگر کسی به آن رسید، به هدف عبادت و در نتیجه به هدف غایی خلقت رسیده است ... و چون مراتب یقین و شهود بی‌نهایت است، منافع و فواید عبادت نیز بی‌نهایت است ... کمیت و کیفیت عبادت عملی نیز به کمیت و کیفیت عبادت علمی و شناخت بستگی دارد. بنابراین میزان کیفیت عبادت عملی به تفکر وابسته است. (جوادی آملی، ۲/۴۱۹-۴۱۷، [با دخل و تصرف و تلخیص])

افزایش بهره‌وری ↔ افزایش یقین ↔ افزایش معرفت ↔ افزایش عبادت ↔ افزایش ایمان



۴. عمل صالح

اگر آدمی بخواهد نیروها و استعدادهای او در ظرف وجودش شکوفا شود و خواسته‌های وی در خارج تحقق پیدا کند، ناگزیر باید از مرحله فکر تجاوز کند و با برنامه به مرحله «عمل» گام نهد. هر چیزی که آدمی خواستار رسیدن به آن است و می‌تواند به آن برسد، از طریق کار و کوشش و عمل است. به دیگر سخن، رسیدن به شکوفایی از طریق عمل میسر است. (افراه، ۳۶)



در قرآن کریم در ۵۹ مورد بعد از ایمان، عمل صالح ذکر شده است. این بدان معنی است که ایمان، خود را در عمل نشان می‌دهد. آن هم نه هر عملی، بلکه عمل صالح. عملی که اثربخشی و کارایی آن و در نتیجه بهره‌وری آن در حد بالایی باشد. مؤمن واقعی در موقع انتخاب بین تصمیمات مختلف، آن عملی را می‌پذیرد که بیشترین بازدهی را برای جامعه داشته باشد. انجام اعمال صالح، ضمن تأمین هدف اولیه فرد، هدفی از اهداف جامعه را محقق می‌کند. بنابراین بر اساس تفکر اسلامی، هر عملی که انسان را به خداوند نزدیک کند، عمل صالح است و از بهره‌وری شایسته برخوردار است. از همین روست که به دنبال کسب روزی حلال برای خانواده رفتن، مثل جهاد در راه خدا ارزش گذاری می‌شود.

از سوی دیگر آنچه در ارتقای اثربخشی و در نتیجه در ارتقای بهره‌وری عمل صالح تأثیر حیرت انگیز و شگفت آوری دارد، اخلاص است. اخلاص یعنی انجام هر کاری فقط و فقط برای خداوند. به دیگر سخن، صرف عمر تنها و تنها برای خداوند؛

یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم دولت مونس آن سروروان ما را بس برای هر عمل لازم است هدف عالی در نظر گرفته شود و چه هدفی بالاتر از حضرت حق. نیز باید توجه داشت که فرض‌های غیرخدایی و اهداف غیرالهی،

اعمال را به صورت حرکتی سطحی و تهی و بدون ارزش در می آورد. اهمیت عمل بیش از آنکه به اندازه و مقدار آن مربوط باشد، به چگونگی آن ارتباط دارد. این است که عمل با نیت خالص، هر چند کوچک، مثمر ثمر می باشد. (همان)

$$\boxed{\text{ارزش عمل}} = \boxed{\text{عمل}} \times \boxed{\text{نیت}}$$

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه ﴿... لِيُؤَلِّمُكُمُ الْيُسْرَىٰ وَأَكْثَرَ الْعِلْمِ﴾ (هود/۷) «تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید...»، فرمودند: «لیس یعنی اکثر عملاً و لکن اصوبکم عملاً و إنما الاصابة خشية الله و النية الصادقة و الحسنة ثم قال: الإبقاء على العمل حتى يخلص اشد من العمل» (کلینی، ۱۶/۲) «مراد خداوند این نیست که عمل بیشتر باشد، بلکه مراد آن است که عمل درست تر باشد و درستی عمل به ترس از خدا و نیت راستین و اخلاص است. سپس فرمودند: پایداری بر عمل تا خالص بماند، از خود عمل سخت تر است.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: «ما أخلص عبد لله عزوجل اربعين صباحاً إلا جرت ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه» (صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۷۴/۱) «هر که چهل روز عمل خویش را برای خدا خالص گرداند، چشمه های حکمت از دل بر زبانش جاری شود.»

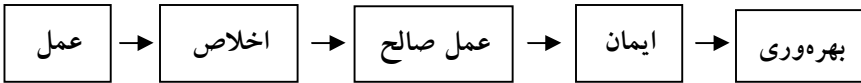
قرآن نیز در آیات متعددی، اخلاص عمل را از انسان ها خواسته است و الگوی اخلاص عمل را اهل بیت علیهم السلام معرفی کرده است. درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا (انسان/۹-۸)

«و طعام را با اینکه دوست دارند، به بینوا و یتیم و اسیر می دهند [و می گویند]: ما فقط برای خشنودی خدا به شما طعام می دهیم، از شما نه پاداشی می خواهیم و نه تشکری.»

مؤمنان مخلص، با نردبان اخلاص بر بام عبودیت گام می نهند. آنان تمام اعمال و افکار و گفتار و کردار خویش را تنها و تنها برای خدا خالص می گردانند و هیچ چیزی را شریک خداوند قرار نمی دهند. هنگامی که اخلاص در درون جان آنان



ریشه دوانید، دیگر یک لحظه از کار و تلاش باز نمی‌ایستند و پیوسته با اخلاص عمل خویش، بهره‌وری خویش را افزایش می‌دهند. هنگامی که اخلاص به عمل درآمیزد، عمل صالح متولد می‌گردد. به دیگر سخن، قوه محرکه بهره‌وری در عمل، صالح بودن آن است و در رأس آن، اخلاص قرار دارد.



۵. سفارش به حق و صبر

دین مبین اسلام، هم به فرد توجه دارد و هم به جامعه. در این دین، فرد در اجتماع و اجتماع با فرد، در هم تنیده‌اند. بنابراین هنگامی که از بهره‌وری فردی سخن می‌گویند، آن را به بهره‌وری جامعه پیوند می‌دهند و هنگامی که بر بهره‌وری جامعه تأکید می‌کنند، پایه آن را بهره‌وری فردی برمی‌شمارد. موضوع حق و سفارش به حق، هم یک بحث فردی است و هم یک بحث اجتماعی. فردی است از آن جهت که انسان بهره‌ور، حق‌گرا و حق‌مدار است و اجتماعی است از آن جهت که انسان بهره‌ور، در درون جامعه‌ای زندگی می‌کند که حق‌گرایی، شالوده‌اساسی آن جامعه است و او وظیفه دارد در جهت‌دهی جامعه به سوی توحید، نهایت تلاش و کوشش خویش را به کار گیرد و از هرگونه انحراف، آلودگی، اختلال و اختلال در نظم اجتماعی جلوگیری کند.

با توجه به این نکته، روشن می‌شود که اصل امر به معروف و نهی از منکر، دستورالعمل اجرایی سفارش به حق و حق‌گرایی است. مؤمنان بهره‌ور در طول زندگی خویش هم خود حق‌محورند و بر صراط حق گام می‌نهند و هم دیگران را به صراط حق فرا می‌خوانند و هم بستر جامعه را برای نیل به حق و حقیقت آماده می‌سازند. بر پایه عمل به این اصل حیات بخش، امنیت، آرامش و ثبات روحی، فکری و سلامت مناسبات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورند و زمینه را برای ظهور حضرت ولی عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراهم می‌سازند.

آخرین ویژگی مؤمنان بهره‌ور، صبر و سفارش یکدیگر به صبر است. بدیهی است که اندیشه ایمان محوری در جامعه باید در وجود هر فرد به صورت خصیصه «صبر» متجلی گردد. از حدود هفتاد آیه‌ای که در قرآن مجید در مورد صبر آمده است و روایاتی که در این زمینه است، به خوبی روشن می‌گردد که صبر چیزی جز پایداری بر اصول مکتب و مقاومت و مبارزه در راه تکامل و رشد نیست. (پورسیف، ۱۱۷)

مؤمنان بهره‌ور، کسانی‌اند که بر عقیده و آرمان خویش پای می‌فشارند و در برابر مشکلات و سختی‌ها خم به ابرو نمی‌آورند. بهره‌ورانی که پایداری، استقامت و صبر در جان و روان آنان ریشه دوانیده باشد و به سلاح صبر مجهز باشند، می‌توانند در برابر مصیبت‌های جانسوز، درد و رنج‌ها، اضطراب‌ها و غم‌های طاقت فرسای عصر حاضر مقاومت کنند و با صبوری زیبا که با شکرگزاری آراسته باشد، به حل مشکلات و مسائل پردازند و در این میان، بهره‌وری خویش را افزایش دهند. به دیگر سخن، انسانی از بهره‌وری بالا برخوردار است که فضای لازم برای رشد و توسعه بهره‌وری را برای خود و جامعه فراهم سازد. سفارش به حق و صبر دو رکن اصلی فضای رشد و توسعه بهره‌وری‌اند و بی‌شک، ثمره و میوه سفارش به حق و صبر، پیروزی و ظفر است و مؤمنان بهره‌ور، پیروزمندان همیشه تاریخند.

از سوی دیگر، هنگامی که کردار آنان، صبر و شکیبایی را به ارمغان آورد و پیوسته یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنند، با کردار و گفتار خود، موجب گسترش بهره‌وری در جامعه می‌شوند و این عین بهره‌وری است؛ زیرا صبر سبب می‌گردد انسان در انجام هر عملی تا حصول به نتیجه و هدف، از هیچ تلاشی فروگذار ننماید، زیرا دستیابی به هر هدفی در اثر تداوم عمل میسر است. اینجاست که نقش کلیدی صبر در انجام و تداوم کردار و گفتار در رفتار در راستای دستیابی سریع‌تر به هدف و به دنبال آن افزایش اثربخشی و افزایش بهره‌وری آشکار می‌گردد. چه بسا اهدافی که فتح آنان بدون صبر و استقامت، آب در هاون کوفتن است و هر چه هدف دست نیافتنی‌تر باشد، صبر بیشتری می‌طلبد. آنچه به انسان در این دوران استواری می‌بخشد، عنصر معجزه آسای صبر است، به همین



دلیل، صبر یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمنان بهره‌ور است که باعث تمایز آنان از دیگران می‌شود.

نگاهی به زندگی و شخصیت امام راحل علیه السلام الگویی عملی از بهره‌وری را در ذهن و فکر ما زنده می‌سازد. باور دینی، ایمان معرفت محور و یقین بالای امام علیه السلام بود که باعث شد یک ملت را به حرکت درآورد و اراده آنان را در یک جهت متمرکز سازد و یک نظام ۲۵۰۰ ساله متکی بر استکبار جهانی را با کمترین خسارت نابود کند. به راستی در کجای دنیا می‌توان چنین راندمان و بهره‌وری را معرفی نمود؟ (بنیانیان، ۱۷۵)

نتیجه گیری

اسلام درباره بهره‌وری - درست انجام دادن کار درست، یعنی تلفیقی از کارایی (نسبت ستاده به داده) و اثربخشی (مقایسه نتیجه با اهداف) - با دیدگاه فرهنگی، بر پایه نظام جامع بهره‌وری، با تأکید بر نقش محوری انسان، هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی، نکات بدیع و منحصر به فردی را از طریق آیات قرآن کریم و سیره ائمه معصومین علیهم السلام فرا روی مسلمانان نهاده است تا در گام نخست درباره آن بیندیشند و در گام بعدی، آموزه‌های بهره‌وری را به کار گیرند.

منشور بهره‌وری قرآن کریم در سوره «عصر» گزارش شده است. پیام‌ها و آموزه‌های این سوره درباره بهره‌وری عبارتند از:

۱. استفاده بهینه از زمان و عمر به عنوان تنها سرمایه زندگی و برنامه‌ریزی برای ارتقای بهره‌وری زمان و عمر.

۲. ایمان، به عنوان قوه محرکه و معدن انگیزه‌سازی انسان، نقش کلیدی در افزایش بهره‌وری دارد. ایمان بر اساس عبادت‌های معرفت‌آمیز در همه آنات و لحظات قابلیت افزایش دارد و هنگامی که با یقین که میوه جاویدان معرفت است در هم آمیزد، تأثیرش صد چندان می‌شود. بنابراین بهره‌وری در همه افکار، کردار و گفتار انسان ساری و جاری است و با افزایش ایمان، معرفت، عبادت و یقین، افزایش صعودی می‌یابد و این افزایش حد و مرز ندارد.

۳. نتیجه بهره‌وری ایمان، در عمل صالح و مخلصانه رخ می‌نماید که هم در ارتقای بهره‌وری فردی مؤثر است و هم در افزایش بهره‌وری اجتماعی.

۴. سفارش به حق و صبر، دو لازمه بهره‌وری فردی و اجتماعی‌اند. مؤمنان بهره‌ور هم خود بر صراط حق گام می‌زنند و هم دیگران را به حق و حق‌گرایی سفارش می‌کنند و اصل امر به معروف و نهی از منکر را در جامعه اشاعه می‌دهند و صبر را در وجودشان پرورانده‌اند و در مقابل سختی‌ها و مشکلات، چونان کوه استوارند و هیچ هراسی به دل راه نمی‌دهند.

مهم‌ترین ویژگی‌های بهره‌وران از دیدگاه قرآن کریم در سوره «عصر» آمده است: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر/ ۴-۱)

«به نام خداوند گسترده رحمت و مهربان. سوگند به روزگار که انسان در زیانکاری است، مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به حق سفارش نموده و یکدیگر را به شکیبایی توصیه کرده‌اند.»

پیشنهاد

سوره عصر به عنوان منشور بهره‌وری جمهوری اسلامی ایران، در سازمان ملی بهره‌وری مصوب و در سطح کشور و جامعه بین‌المللی تبیین و تبلیغ شود و به مثابه چتری بر همه سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، آیین‌نامه‌ها و ... بهره‌وری کشور سایه بگستراند تا شاهد شکوفایی جامعه اسلامی در دوران انتظار باشیم. باشد که زمینه ظهور آماده گردد و چشمان رمق دیده‌مان به جمال دلربای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - برترین الگوی بهره‌وری دنیای معاصر - روشن گردد و نجوا کنیم:

ما در ره عشق تو اسیران بلائیم کس نیست چنین عاشق بیچاره که ماییم

پی‌نوشت:

۱. جهت اطلاع بیشتر از احادیثی که در مورد برنامه‌ریزی ساعات روزانه روایت شده است، ر.ک: کلینی، ۸۷/۵؛ ابن شعبه حرانی، ۴۰۹/۴؛ عبده، ۹۳/۴؛ صدوق، الخصال، ۵۲۵.



منابع و مأخذ:

۱. قرآن مجید
۲. آمدی، عبد الواحد بن محمد؛ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق: مصطفی درایتی، مکتب الأعلام الإسلامی، بی تا.
۳. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، تحقیق: علی اکبر غفاری، مؤسسه النشر الإسلامی لجماعة المدرسين، ۱۴۰۴ق.
۴. احسائی، ابن ابی جمهور؛ عوالم اللثالی العزیزة فی الأحادیث النبویة، تحقیق: سید شهاب الدین مرعشی نجفی و مجتبی عراقی، قم، مطبعة سید الشهداء، ۱۴۰۳ق.
۵. افراه، عباس؛ فرهنگ کار و نقش آن در بهره‌وری، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۵ش.
۶. اقدسی، محمد؛ بیماری نرم افزاری و فنون انسان افزاری ارتقای بهره‌وری، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۵ش.
۷. بنیانیان، حسن؛ اصلاح ساختارها، پیش‌نیاز ارتقای بهره‌وری نیروی انسانی، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۵ش.
۸. پورسیف، عباس؛ بهره‌وری سازمانی بر محور ایمان، در کتاب بهره‌وری و مصداق‌ها، سید حسین پیمان، تهران، نشر زمینه، ۱۳۷۴ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله؛ ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، قم، اسراء، ۱۳۸۳ش.
۱۰. دری نجف آبادی، قربانعلی؛ اسلام، انسان، بهره‌وری، تهران، سازمان بهره‌وری ملی ایران، ۱۳۷۳ش.

۱۱. شهیدی، سید جعفر؛ ترجمه نهج البلاغه، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۱۲. صدوق، محمد بن علی؛ معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۱۳. _____؛ الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۳ق.
۱۴. _____؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طاهری، شهنام؛ بهره وری و تجزیه و تحلیل آن در سازمان‌ها، هستان، تهران، ۱۳۷۸ش.
۱۶. عبده، محمد؛ شرح نهج البلاغه، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۸۸ق.
۱۸. هالس، فایانا؛ بهبود بهره وری، ترجمه: هوردخت دانش و سهراب خلیلی شورینی، تهران، فیروزه، ۱۳۷۶ش.